

فقره به ما جز کنی بهار که در تقیر امر از امور دنیا و عقب است تا خبر از  
برابر عاریت صحیح است یا بر ایش است بر آنکه آنها هم مرا فرستادند  
و اول آنم قوله برید بر است از فرغ برید میگردانید و فرود در او در هر دو است  
خود را پس فاموشی فرست مقدار خواندن آدمی سوره فاتحه کتاب است قال  
که شکر میبرد و معاذ آن و مستغرق حضور بر مناشی است از میان آن است  
از فرود آمدن بدین باز سبکت من بر میگردانست بر تیدوم بهر دو است  
خود را در حکمت باشد آنچه گفته بود از دعا و ثنا و گفته اند مستی است بخیر  
بکسیه نیز در اینها و آذ اسراج و آتی المشعر المجرم ام استقبل  
الفصله قد فاه و کبره که هلاک و وحده فلم یزل و اقصا  
حتی استغفر حتی ا  
معوام نام گویمت در خذ لک و فضا  
اوست و الا حکله موقف الا وادی محرمه فرج نعت عبد الامام مشورا  
جان کنان عبادت و امام ای وقت در امام صفت است یا بمل  
مان و البیتوتیه بها نسبه و الطبع من العاشق من جمع و وجهه که از الوت  
بعد الصبح و لوانه و واجب عهدنا و عهد ان فو الوتف سنه و البیتوتیه  
بها اکثر البیت و اجبت و اما است صاحب الهدایه اراکث فو العاکن عهد  
فقیه صحیح ابو عوانه مورث از جابر رضی الله عنه و وقت که رجوع میکرد  
خدا از عفات بود و زلفه در کوه بر مشور امام متوجه بنده شد پس دعا کرد  
میکرد خدا را در دل و مرتضی الله به که ولا اله الا الله و صده لدر بیکه را که  
و تلبیس و توحید که در است بار است قال فی قیامه فاذا انقضت امام حرم  
من عفات فاذا ذکر الله عند المشور امام و مولد حنفی مع وضع گفته ایا

ق عو

اعراض از آن زمان است  
از سفر صحیح بنده از تقوی صحیح  
سکون است ابو اورد و آن کار است صحیح  
صحیح

قال

قال انه و احد من اهل بیت می بود رسول خدا ایستاده بعد از اداری نماز  
خبرش از طلوع صبح تا آنکه زوشن شدی صبح روشن شدن تا آنکه برود  
است الطلیع انما یسجد احدی صفت مصدر محذوف است و صلی علیها  
ایا جانها من حال است پس تو بر میفرمود بسوی منا همین نماز بود  
مکان مستثنی است زیرا که اجماع است برین که رسول خدا انجا فرما  
در غل خوانده است و فقها را درین هیچ خلافت نیست غل کفرسی  
تاریکی اگر شب و عجب است از مولانا حنفی نیز از جمیع که رسول خدا نماز  
نیز در روشن شدن صبح خوانده و ضمیر سفر راجع به رسول خدا که  
و لم یزل یلکمی حتی کرمی العجزة ان تجزیه العقبه  
جمع آن سنگ که میان از نه عقبه یعنی ت راه در کوه و حجره  
نمانه راجح در باران کوه و ان است حجره عقبه می گویند یعنی در  
اصول است مروی است از ابن عباس رضی الله عنه که همیشه رسول  
خدا از وقت او امام لبک اللهم لبیک می گفت تا آخر ضمن اول سخن  
حجره عقبه را که رحمت در روز اول بخیر که همین حجره را پس قطع کرد  
دعی گفت بنسبه را در تقییر ای حجره عقبه از تقییر را در این حدیث  
است و اذ الراء و می الجمار فاذا اتی الحجرة الدنيا  
رما یسجد حصیات یلکمی علی انوار حصاة اقع  
کحل حصاة  
حصاة یعنی سنگ زده حصیات مع انوار  
در سنگها مثلثه یا بیقال خربت لانه ای عقبه در سینه است یعنی آن  
نقش است در آن در منزل است قال هم اوله عاثری یعنی آن است

صاحب الصبح عنه  
ضمیمه صحیح

م دوس